

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۹.۰۷.۱۰

## تفسیرهای خبری

### جمهوری اسلامی بی وقفه به سرکوب ادامه می دهد

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در روزهای اخیر به دستگیری و آزار و اذیت فعالان سیاسی و اجتماعی ادامه می دهند. عدهای را در زندان شکنجه می کنند، کسانی را دزدیده اند و دیگران را تهدید می نمایند.

بر اساس گزارش های منتشر شده فردی به نام وحید اصغری که بیست و چهار ساله و در اردیبهشت ۱۳۸۷ بازداشت شده است، آن هم به جرم ایجاد سایت اینترنتی برای امرار معاش، در زندان بوشهر در وضعیت بسیار بدی به سر می برد. استخوان های بینی و سر و دنده هایش در اثر شکنجه به شدت آسیب دیده اند. او را متهم به هاستینگ سایت های ضد دینی، ضد اخلاقی و ضد امنیتی کرده اند.

گزارش دیگری از وضعیت زندانی سیاسی رضا جوشن حاکی از آن است که وی پس از شش روز اعتصاب غذا به بهداری زندان گوهردشت کرج منتقل شده است. رضا جوشن در اعتراض به عدم امکان تماس با خانواده اش در خارج زندان و مادرش که خود در بند زنان است دست به اعتصاب غذا زده است. مدافعان زندانیان سیاسی همچنین گزارش می دهند که یک زندانی سیاسی دیگر به نام خالد حردانی که دست به اعتصاب غذا زده است در وضعیت بسیار بدی به سر می برد. رحیم رشی، یک شهروند حومه مهاباد نیز که به اتهام وابستگی به احزاب کردستان حبس شده دست به اعتصاب غذا زده است.

هدی صابر یک فعال دیگر سیاسی ست که مفقود شده است و وکیلش احتمال می دهد که وی را بازداشت کرده اند. با این حال وی می گوید که تمامی نهادهای قضائی از وضعیت موکلش اظهار بی اطلاعی می کنند. هدی صابر پیش از به اصطلاح مفقود شدن، احضار تلفنی شده بود. بعید نیست که او اکنون در یکی از بازداشت گاه های مخفی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی زیر شکنجه باشد.

شیوا نظر آهاری که پس از انتخابات قلابی سال گذشته بازداشت شده است کماکان در زندان به سر می برد و مادرش گفته است که او بلاتکلیف است. شیوا نظر آهاری بیش از سه ماه در سلول انفرادی قرار گرفت. سپس او را به قید

وثیقه آزاد کردند، اما هنگامی که وی قصد داشت به عنوان روزنامه نگار در مراسم تشییع جنازه آیت الله منتظری شرکت کند، دوبار بازداشت و روانه زندان شد.

یک خبر دیگر حاکی از آن است که فرشته حلیمی که همسر محمد مصطفائی ست به همراه برادرش فرهاد حلیمی در نزدیکی دفتر مصطفائی دستگیر و روانه زندان شده اند. آقای محمد مصطفائی وکیل ست که دفاع از بیست کودک محکوم به اعدام را به عهده گرفته است.

جمهوری اسلامی از بدو پیدایش دستگیری، ربایش، شکنجه، حبس و اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی را بی وقفه دنبال کرده است. در لحظاتی که مردم علیه رژیم به پا خاسته‌اند و ارکانش را به لرزه درآورده‌اند، این اقدامات رژیم هم شدت پیدا کرده است، اما هنگامی که رکودی در مبارزه مردمی به وجود آمده است، باز هم جمهوری اسلامی برای زهر چشم‌گیری به همان اقدامات با فراز و نشیب ادامه داده است. این ویژگی تمام رژیم‌های خودکامه است که یک لحظه از سرکوب برای ادامه حیات دست نشینند. اما تاریخ مبارزاتی مردم ایران و جهان گواه آن است که چنین رژیم‌هایی نمی‌توانند برای همیشه دوام آورند و روزی چنان سیلی به راه خواهد افتاد که دیگر هیچ گونه سرکوبی نمی‌تواند جلوگیری از آن باشد. این سرنوشتی ست که در انتظار جمهوری اسلامی ست.

### میرحسین موسوی چه نخواهد گفت؟

میرحسین موسوی در جلسه‌ای که در کرج به مناسبت شعبانیه انجام شد، اعلام کرد که تاکنون در مورد دهه اول انقلاب لب به سخن نگشوده است و اگر لازم باشد ناگفته‌هایی را به ویژه در مورد جنگ هشت ساله دو دولت ایران و عراق خواهد گفت. میرحسین موسوی همچنین اظهار داشت که اگر لازم باشد دلایل استعفا خود را در سال ۱۳۶۷ خواهد گفت. بنابراین میرحسین موسوی پیش از آن که چیزی بگوید برای آن اما و اگر زیاد گذاشته است. البته میرحسین موسوی مانند تمام افرادی که در دوره‌های مختلف حیات جمهوری اسلامی مسئولیت‌های سنگین داشته‌اند فراوان دارند و اکنون که تضادهای درون حکومتی سر به فلک کشیده است بعید نیست که مردم روزی بخشی از آن‌ها را بشنوند. با این حال بعید است که موسوی و امثالهم بیش از آن که لازم باشد ریش خود را در گروهی مباحثی بگذارند که خود آنان را نیز روشن تر از همیشه در مظان پاسخگویی قرار دهد.

میرحسین موسوی تا همین جایش هم که در مورد جنگ بی‌هوده هشت ساله سخن می‌گوید به این نکته اشاره می‌کند که قصدش دفاع از به اصطلاح سلحشورانی ست که این جنگ را رهبری کردند. او در بخش دیگری از سخنانش مثلاً گفته است که چهار میلیارد از شش میلیارد دلار درآمد نفتی کشور در آن زمان خرج جنگ شد. خود همین نکته یادآوری فاجعه‌ای ست که هشت سال ادامه یافت و نه فقط میرحسین موسوی که از صدر تا ذیل مسئولان جمهوری اسلامی به ویژه خمینی که این جنگ را نعمت می‌دانست مسؤول مستقیمش بوده و هستند.

گروه‌ها و کسانی، به ویژه فدائیان اقلیت هم بودند که از همان ابتداء جنگی را که هشت سال به درازا کشید ارتجاعی ارزیابی کردند و خواهان توقفش شدند چرا که منفعتی برای توده‌های کارگر و زحمتکش نداشت، اما دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی که موسوی هشت سال نخست وزیرش بود نگذاشتند صدایشان به مردم برسد و آنانی را هم که توانستند صدایشان را به مردم برسانند به همین خاطر به سیاه چال‌های رژیم روانه کردند. جنگ ادامه سیاست و مختص جوامع طبقاتی ست. این فقط ادامه سیاست جمهوری اسلامی نبود که به جنگ دامن بزند و خواهان فتح کربلا برای فتح بیت المقدس شود، گروه‌های سیاسی گوناگون، از سلطنت طلب گرفته تا لیبرال‌ها و توده‌ای – اکثریتی‌ها هم برای ادامه سیاست‌هایی که اتخاذ کرده بودند مردم و هوادارانشان را به انحاء گوناگون به شرکت در

جنگ تشویق کردند و برخی از آنان را قربانی مطامع ارتجاعی خود نمودند، همانطور که جمهوری اسلامی با گسیل کودکان به روی میدان‌های مین با انداختن کلید بهشت بر گردنشان چنین کرد.

میرحسین موسوی در بخش دیگری از سخنانش به سالگرد قطعنامه ۵۹۸ در این روزها اشاره می‌کند، اما این روزها فقط سالروز صدور این قطعنامه نیست که با بی توجهی جمهوری اسلامی مواجه شد، این روزها سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ هم هست، سالی که میرحسین موسوی استعفاء داد و در تابستان سالی که هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی قتل عام شدند و در گورهای دسته جمعی مدفون گشتند. راستی می‌توان پذیرفت که میرحسین موسوی هیچ گونه مسئولیتی در این قتل عام نداشته و مثلاً از آن بی خبر بوده است؟ بعید است که میرحسین موسوی و دیگر رانده شدگان کنونی و مسئولان درجه ی اول آن زمان کلمه ای در این مورد لب به سخن بگشایند.

امروز جوانان، زنان و کارگران که در ایران برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند برای آزادی همه سرکوب شدگان و رانده شدگان مبارزه می‌کنند، اما این بدین معنا نیست که کسانی که خود امروز مغضوب حکومت شده اند پاسخگوی آن چه کرده‌اند نباشند.